



طناب دار فرجام باجگیری مرگبار در قهوه خانه

گندله تهران که در جریان باجگیری در یکی از قهوه خانه ها مرگ تکب قتل شده بود با رأی قضات دادگاه کیفری یک استان تهران به مرگ محکوم شد. به گزارش جوان، تابستان سال ۹۹، مأموران پلیس پایتخت از درگیری خونین در قهوه‌خانه‌ای در شرق تهران باخبر و راهی محل شدند. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت در آن درگیری مرد ۳۴ساله به نام احمد بر اثر ضربات چاقو زخمی و راهی بیمارستان شده‌است و ضارب نیز بعد از ارتکاب جرم گریخته‌است. تحقیقات در این زمینه ادامه داشت که از بیمارستان خبر رسید احمد بر اثر شدت خونریزی‌ها فوت کرده‌است.
تشکیل پرونده
باتنقال جسد به پزشکی قانونی پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و تلاش برای دستگیری عامل قتل آغاز شد. ضارب گندله‌ای به نام کامران بود که مدتی قبل به خاطر حمل مواد مخدر به حبس ابد محکوم شده بود اما به خاطر شرایط کر و ناایی از زندان مرخصی گرفته بود و در همان روزهایی مرخصی از زندان مرگ تکب قتل شده بود. به این ترتیب متهم تحت تعقیب قرار گرفت و با گذشت یک هفته از حادثه شناسایی و بازداشت شد.
اقرار به قتل برای باجگیری از صاحب قهوه‌خانه
آن مرد در پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت و با اقرار به جرمش در شرح ماجرا گفت: «چند سال قبل به خاطر حمل مواد مخدر به حبس ابد محکوم شدم اما در خواست عفو دادم که بعد از آزادی از زندان مرخصی گرفته بود و در محکومیتم را می‌گذراندم که به خاطر شرایط کرونا یک هفته مرخصی گرفتم و از زندان بیرون آمدم. بعد از آزادی قرار بود بعد از یک هفته به زندان برگردم اما فکر فرار به سرم زد و تصمیم گرفتم دیگر به زندان نروم.» متهم ادامه داد: «در روزهای مرخصی از زندان به دیدن برادرم رفته بودم به همین خاطر او چند بار گلایه کرده بود. این شد که تصمیم گرفتم او را ببینم به همین دلیل آن روز تماس گرفتم و با هم قرار ملاقات گذاشتیم. قبل از اینکه به دیدن برادرم بروم همراه دوستانم برای کشیدن قلیان به قهوه‌خانه رفتم. مشغول کشیدن قلیان بودیم که ناگهان دختری با من تماس گرفت و گفت پسر جوانی مزاحم او شده‌است. او را بدختر مورد علاقه‌ام اشتباه گرفتم. به همین خاطر بلافاصله به محل قرار رفتم که متوجه شدم اشتباه کرده‌ام ولی او را هم می‌شناختم به همین دلیل دلم برایش سوخت و تصمیم گرفتم کمکش کنم. برای اینکه او را دست بسران مزاحم راحت کنم سوار موتورش کردم و از محل دور شدم.» وی ادامه داد: «این گذشت تا اینکه فهمیدم در محلمان یک نفر قمارخانه باز کرده‌است. به

سارقان حرفه‌ای که برای سرقت خودرو از جرقتیل کرایه‌ای استفاده می‌کردند بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ کاراگاه قاسم دستخال، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ توضیح داد: ۱۱ اردیبهشت‌ماه امسال بود که مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. لحظاتی بعد مأموران کلانتری ۱۲۵ یوسف آباد در محل حاضر شدند. شاکی توضیح داد: ساعتی قبل خودروی شخصی‌ام را که یک دستگاه مگان است کنار خیابان پارک کردم و به دنبال کارم رفتم. وقتی برگشتم دیدم که از خودرو خبری نیست و سرقت شده‌است که درخواست رسیدگی دارم. بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای ناحیه ۶ تهران برای بررسی به پایگاه سوم پلیس آگاهی فرستاده شد. تحقیقات پلیس بعد از حضور در محل و بررسی دوربین‌ها مدار بسته نشان داد که خودروی مگان با یک دستگاه جرقتیل حمل خودرواز

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

اعتراف به سرقت خودرو با جرثقیل

محل سرقت شده‌است. بعد از به دست آمدن این سرنخ بود که مالک جرثقیل شناسایی و به اداره پلیس دعوت شد. او وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت: من مالک جرثقیل هستم و شماره تماسم را در سایت‌های مجازی ثبت کرده‌ام. روز حادثه مردی تماس گرفت و خودش را مالک خودروی مگان معرفی کرد و گفت که خودرواش دچار نقص فنی شده و خواست که آن را به یک مکانیکی منتقل کنم که قبول کردم. وقتی به محل رسیدم دیدم که در خودرو قفل است. مردی که خودش را مالک خودرو معرفی کرده بود گفت که کلید را در محل کارش جا گذاشته‌است. من اما به حرف او اعتماد نکردم و احتمال دادم که خودرو متعلق به خودش نباشد برای همین گفتم تا در خودرو باز نشود من اجازه حمل ندارم و از محل رفتم. ساعتی بعد بود که آن مرد دوباره تماس گرفت و گفت در خودروی راباز کرده و خواست که به آنجا برگردد که قبول کردم و خودرو را از آنجا به یک تعمیرگاه منتقل کردم. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که



در اختیار پلیس گذاشتند خودروی سرقتی کشف شد. سرهنگ کاراگاه قاسم دستخال، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان جریان دارد.

قتل مرد تاجر

پس از اخادی ۶۰۰ میلیون تومانی

زوج ششپاد پس از اخادی ۶۰۰میلیون تومانی از خانواده مرد تاجر، او را به قتل رسانده و جسدش را در بیابان های یاکدشت دفن کردند. به گزارش جوان ، روز شنبه ۲۶تیرماه امسال زن میانسالی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از گروگانگیری شوهر ۶۰ساله اش از سوی افراد ناشناسی شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: شوهرم پیمان تاجر است و در کار ساخت و ساز ساختمان هم فعالیت دارد. امروز صبح مثل همیشه با خودروی پژو ۲۰۶خودش برای انجام کارهایش از خانه بیرون رفت و دیگر از او خبری نشد تا اینکه چند ساعت بعد من با تلفن همراهش تماس گرفتم، اما جواب نداد. دقایقی بعد از تماس من، مرد ناشناسی با تلفن همراه من تماس گرفت و گفت شوهرم را گروگان گرفته است و برای آزادی او باید یکمیلیارد تومان فراهم کنم و به محلی که آنها مشخص می کنند ببرم و تحویل همدستانش بدهم.

مرد آدم‌با خیلی مرا تهدید کرد و گفت اگر موضوع را به پلیس خبر بدهم و یا یکمیلیارد تومان را فراهم نکنم حتما شوهرم را به قتل می‌رساند و جسد او را می‌سوزاند.

ساک ۶۰۰میلیون تومانی

آنها به من فرصت یک‌ساعته دادند و تهدیدهایشان هم جدی بود که با فرزندانم موضوع را در میان گذاشتیم. وقتی فرزندانم متوجه موضوع شدند برای اینکه خطری جان شوهرم را تهدید نکند تصمیم گرفتم هر چقدر پول، طلا و ارز خارجی در خانه داریم داخل ساکی بگذاریم و تحویل آنها بدهیم. ما بیش از ۲۰۰میلیون تومان طلا، جواهر و پول فراهم کردیم و داخل ساکی گذاشتیم. مرد گروگانگیر از ما خواست ساک پر از طلا را داخل پارکی کنار درختچه‌هایی که آدرسش را داده بود چال کنیم و بعد از آنجا دور شویم. قرار شد وقتی ساک را تحویل بدهیم آنها شوهرم را آزاد کنند و به همین سبب ما خیلی زود ساک را به آدرس مورد نظر بردیم و همانجا میان بوشه‌ها چال کردیم و به خانه برگشتیم و منتظر شوهرم ماندیم، اما هیچ خبری از شوهرم نشد.

پس از این با تلفن همراه شوهرم و مرد آدم‌با تماس گرفتم که هر دو شماره خاموش بود که به اداره پلیس آمدم تا کمک کنید شوهرم را

زن جوان که متهم است مقابل شورای حل اختلاف کرمانشاه شوهرش را با شلیک گلوله مجروح کرده‌است، بازداشت شد. سرهنگ محمدرضا امویی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه توضیح داد: صبح روز گذشته مأموران کلانتری ۲۲بهمین



از دام آدم‌ربایان آزاد کنیم.

اختلاف مالی

با شکایت زن میاسال پرونده به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی در اختیار کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. نخستین بررسی‌ها حکایت از آن داشت مرد تاجر چند سالی است با مردی به نام کامران ارتباط کاری و مالی داشته‌است، اما مدتی است با او اختلاف مالی پیدا کرده‌است. از سوی دیگر خانواده مرد گمشده هم تأیید کردند که از مدتی قبل پیمان و کامران با هم اختلاف مالی پیدا کرده‌اند، اما اقرار بوده با برگراری چند جلسه کاری موضوع را حل کنند.

مأموران پلیس در تحقیقات بعدی دریافتند پیمان روز حادثه با کامران به کارگاه مخروبه‌ای در اطراف تهران رفته‌است و از آنجا به بعد به طرز مرموزی گمشده است.

دستگیری دو متهم

بدین ترتیب مأموران کامران را به عنوان مظنون حادثه تحت تعقیب قرار دادند، اما

که کامران را که به این کارگاه رفت و آمد دارد، می‌شناسیم. روز حادثه کامران همراه همسرش و مرد دیگری به کارگاه آمدند. حال و روز آن مرد خوب نبود که کامران مدعی شد او پدر زنش است و فرزندانش که با او اختلاف دارند او را کتک زده و از خانه بیرون کرده‌اند. او و همسرش ساعتی بعد همراه آن مرد که بعدا فهمیدیم تاجر و از دوستان کامران است از کارگاه بیرون رفتند و ما هم حرف‌های آنها را قبول کردیم تا اینکه ساعتی بعد با من تماس گرفت و گفت حال پدر زنش خراب شده و از من و بشیر خواست تا به آدرسی که خانه‌ای در جنوب تهران بود، برویم.

وقتی به خانه مورد نظر رسیدیم با چشمانمان دیدیم که کامران و همسرش آن مرد را به شدت تنگ می‌زدند و بعد هم پیراهن او را از تنش در آوردند و دور گردنش انداختند و خفهاش کردند.

با دیدن این صحنه شوکه شدیم، اما از ترس حرفی نزدیم که کامران گفت ما هم شریک جرم آنها هستیم و بهتر است در نقشه آنها شرکت کنیم و حرفی هم به کسی نزنیم.

دفن جسد

پس از قتل مرد تاجر کامران تلفنی با زن ناشناسی حرف می‌زد که فهمیدیم همسر مرد تاجر است. کامران گفت که خانواده مرد تاجر قرار است ساکی را که پر از طلا است در پارکی میان درختچه‌ها دفن کنند و از ما خواست به آن پارک برویم و ساک را برداریم.

وی ادامه داد: ما به آدرس داده شده رفتم و ساک پر از طلا را برداشتیم و بعد تحویل کامران و همسرش دادیم. سپس با خودروی خود باکدشت بردیم و آنجا دفن کردیم. وقتی جسد را دفن کردیم کامران و همسرش مبلغی به عنوان دستمزد به ما دادند و بعد رفتند و قرار شد وقتی آب از آسیاب بیفتند دوباره یکدیگر را ببینیم و به ما پول بدهند که دستگیر شدیم. با اعتراف متهمان، مأموران به محل دفن مرد تاجر رفتند و جسد او را کشف و برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل کردند.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه تلاش برای دستگیری دو متهم اصلی از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی دارد.

گلوله اسلحه کمری شوهرش را با شلیک گلوله هدف قرار داده‌است. تحقیقات نشان داد که شوهر وی در حالی که پشت فرمان خودروی شخصی‌اش نشسته بود با شلیک‌شش گلوله از سوی همسرش هدف قرار گرفته که یکی از گلوله‌ها به گردن وی اصابت کرده که

مرد زخمی با کمک امدادگران به بیمارستان منتقل شد. سرهنگ محمدرضا امویی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه با بیان این که انگیزه تیراندازی اختلاف خانوادگی اعلام شده گفت که تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

سرت خونین برای شرکت در جشن قهرمانی پرسپولیس

سه پسر نوجوان برای شرکت در جشن قهرمانی پرسپولیس با کرایه یک خودرو از شهرستان کرج راهی تهران شدند. آنها پس از سرقت خودروی کرایه‌ای، راننده را در حالت مرز در بیابان رها کرده و پس از پایان جشن قهرمانی در حالی که سه مأمور پلیس را زیر گرفته بودند، بازداشت شدند.

به گزارش جوان ، ساعت ۱۰:۳۰ بامداد دیروز شنبه‌به‌هم مرداد مأموران گشت کلانتری ۱۱۹ مهرآباد جنوبی در یکی از خیابان‌های جنوب‌غربی پایتخت به خودروی سواری تیبایی با سه‌سرنشین مشکوک شدند و دستور ایست دادند. راننده خودروی تیباقتی با دستور ایست مأموران پلیس روبه‌رو شد، توقف کرد و پس از آن هم سه مأمور برای بررسی و بازرسی از خودرو پلیس پیاده شدند که در همان لحظه راننده تیبیا شروع به حرکت کرد و سه مأمور پلیس را زیر گرفت و فرار کرد.

در حالی که یکی نفر از مأموران در این حادثه صدمه جدی دیده بود و دو مأمور دیگر به صورت سطحی زخمی شده بودند تعقیب و گریز مأموران پلیس و خودروی تیباقم خورد.

و گریز طولانی موفق شدند خودروی تیبیا را متوقف و سه‌سرنشین آن را که سه‌پسر ۱۷ و ۱۸ساله بودند بازداشت و به اداره پلیس منتقل کنند.

خودرو سرقتی

نخستین بررسی‌ها نشان داد خودروی تیبیا سرقتی است و متعلق به مرد جوانی اهل شهرستان کرج است که با آن مسافه‌های می‌کرده‌است. همچنین در بررسی پرونده متهمان سابقه‌دار مشخص شد یکی از متهمان از سارقان سابقه دار است که مدتی قبل به اتهام سرقت به زندان رفته و با گذاشتن وثیقه از زندان آزاد شده‌است.

جشن پرسپولیس

بدین ترتیب سه متهم مورد بازجویی قرار شده‌اند که یکی از متهمان در بازجویی‌ها در ادعایی گفت: من و دو دوستم قصد داشتیم برای بازی پرسپولیس و پیکان به تهران بیاییم، اما موفق نشدیم. وقتی فهمیدیم پرسپولیس برنده شده‌است تصمیم گرفتیم خودروی را از کرج کرایه کنیم و برای شرکت در جشن پیروزی پرسپولیس به تهران بیاییم. آخر شب خودروی تیبیا را راننده آن مرد جوانی بسود در یکی از خیابان‌های کرج به مقصد تهران به صورت درستی کرایه کردیم و به طرف تهران به راه افتادیم. در میانه‌راه راننده کنار جاده توقف کرد و گفت خمار شده‌است و باید مواد مصرف کرد. او شروع به مصرف مواد کرد که ثانیه‌هایی بعد حالش بد شد و از خودرواش پیاده شد. وقتی او از خودرو پیاده شد من و دوستانم وسوسه شدیم که خودرو او را اسرقت کنیم که پشت ماشین نشستیم و به راه افتادیم و راننده را در همانجا تنها گذاشتیم. ما ساعتی در خیابان‌ها دور کردیم و همراه طرفداران تیم پرسپولیس به شادی پرداختیم که مأموران پلیس به ما مشک کردند و دستور ایست دادند. وقتی مأموران به طرف ما آمدند از ترس فرار کردیم که سه نفر از آنها را زیر گرفتیم.

سرنوشت نامعلوم راننده تیبیا

دو متهم دیگر هم در بازجویی‌ها اظهارات همدست خود را تأیید کردند. مأموران پلیس در ادامه خانواده راننده تیبیا را شناسایی کردند که همسر وی به مأموران گفت: شوهرم با خودرواش در کرج مسافر کشی می‌کرد. شب حادثه با من تماس گرفت و گفت سه پسر جوان خودروی او را به صورت درستی به مقصد تهران کرایه کرده‌اند. او گفت: مسافرانش را به مقصد می‌رساند و به خانه برمی‌گردد، اما آن چند ساعتی گذشته و شوهرم به خانه برنگشته و تلفن همراه او هم خاموش است. وی در پایان گفت: من از سرنوشت شوهرم بی‌خبرم و احتمال می‌دهم سه سارق بلایی سر او آورده‌باشند.

بدین ترتیب سه متهم به دستور قاضی بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت برای ادامه تحقیقات و روشن شدن زوایای پنهان حادثه در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند. تحقیقات برای روشن شدن سرنوشت صاحب خودرو ادامه دارد.

آگهی مفقودی

برگ سبزر، برگ کمپانی و کارت شناسایی خودرو پیکان وانت ۱۶۰۰۰ مدل ۱۳۸۹ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران) ۵۵ ۲۸۳۲۴۱) به شماره موتور ۱۱۴۸۸۱۱۶۶۱۸ شماره شاسی ۲۶۹۸۳۸NAAA۳۶۸۸۸AG۲ متعلق به علی صادق پور ترکی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

آگهی مفقودی

سند کمپانی – کامیون – باری فلزی تیپ GLS۱۰۶Kمدل ۱۳۹۰رنگ سفید روغنی پلاک ۲۸-۶۷۵ع ۱۱موتور ۷۸۴۴۲۰۷۸EQ۴BTAA۳ شاسی ۵۹۵۰۸۰CBS۵۹۵۰۶۳NA۵K۱ به نام: باسعایل زهدی رضا پور ، بشماره ملی ۰۸۲۱۱۰۴۰۲، مفقود واز درجه عتبار ساقط است تهران

آگهی مفقودی

سند کمپانی خودرو جیب صحابه رنگ سبزر یشمی کرم متالیک مدل ۱۳۷۹به شماره موتور XG۸۱۰۹و شماره شاسی ۲۹۹R۵۱۵f۷۰۰۰PJ۵ شماره پلاک ۲۴۶۱۷۲،ایران ۵۹بنام حامد نونهال مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است. گلستان

آگهی مفقودی

بنچاق وینر و به که تاییده و شناسنامه سبز واصل سند کمپانی سواری سمند به شماره شاسی ۴۰۸۲۴۴۸۱CB۳۸A۱NAA۴و شماره موتور ۶۸۶۱۲۴۸۹۱۳۴ و شماره پلاک ۷۱S۱۸۶۹، ایران ۵۹مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است. گلستان